

اولین و آخرین توصیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به علی ربیعی

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص اولین و آخرین توصیه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی خطاب به خود گفت: «قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با شکل گیری «کانون توحید»، اولین توصیه‌وی به ما این بود که تشکل های کارگری را ساماندهی کنیم.» علی ربیعی با بیان اینکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با جامعه کارگری انس دیرینه‌ای داشتند، افزود: «نظریه اعتدالی و عدالت‌گرایانه توسط آیت‌الله هاشمی در جامعه مطرح شد.» وی درباره آخرین دیدار خود با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز چنین گفت: «ایشان در دیدار آخر در باره بیمه یکبارگی و بیمه فراگیر اجتماعی برای اقشار فرودست جامعه صحبت کردندو تاکید کردند این موضوع باید در کشور ما اجرایی شود تا حداقل هایی برای این اقشار فراهم شود.»

یکشنبه ● ۲۶ دی ۱۳۹۵ ● شماره هشتاد و هشت

ا
ت
ی
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱
۰

ن شود. زمانی که من در سازمان تامین اجتماعی مشغول به بودم کاملاً این را احساس می‌کردم که قانون کار مصوب در ایشان تا حد زیادی در احترام به حق و حقوق کارگران موفق است. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی معتقد بودند در کشور مایمی ایران می‌بایست عدالت اجتماعی برقرار باشد و قانون و نوع حمایت از قشر کارگر نمی‌تواند به‌گونه‌ای باشد که مانند سرمایه‌داری با افزایش اختیارات کارفرما، حق و حقوق قشر را ندریده گرفته شود. از همین زاویه ایشان به برقراری رابطه‌ای قفی میان کارگر و کارفرما باور داشتند.

دکترین اقتصادی آیت‌الله هاشمی بر چه آرمان هایی ستوار بود؟
خاطرمان هست که ایشان در یکی از به‌های نماز جمعه در میانه‌های دهه ۸۰ اعلام کردند به چند راهکار برای بهبود فضای اقتصاد رسیدند
نقطه عطف همه آن‌ها نیروی کار است. آیا این اندیشه انی است که در سال‌های سازندگی هم دنبال می‌شد
از این سال‌ها تقویت شد؟

ن‌طور که می‌دانید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سابقه استعماری طولانی داشتند. در عین حال نیز جهان‌دیده بودند سال‌های جوانی به کشورهای خارجی مسافرت کرده بودند. خاطر ایشان می‌نویسند که به آمریکاً رفته و سعی کرده‌اند با فرت‌هایی که در چندین ایالت این کشور داشته‌اند با این کشور شوند. یا در جایی دیگر می‌نویسند که به ژاپن هم سفرهایی نه‌اند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مسافرت‌های زیادی قبل قلاب داشتند و تمام تلاششان این بود که به گفته خودشان را بشناسند. هم‌زمان با تفکرات امیرکبیر و برخی از مصلحان ضداستعماری نیز بسیار آشنا بودند و به آن‌ها علاقه داشتند. این تفکر وقتی به حاکمیت می‌رسد طبیعی است که تعدیل می‌شود. تفکر ضداستعماری بدین مفهوم نیست که با جهان رابطه نداشته باشیم و یا حکومتان کارگری و به کلی ضدسرمایه‌داری باشد. بلکه به دلیل آشنایی نسبی ایشان با مفاهیم، این قدرت را داشتند که تعادلی میان رشد و توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی ایجاد کنند. ناگفته نماند که بخشی از این تفکر نیز برگرفته از تفکر اسلامی بود. ایشان مطالعات زیادی در قرآن و احادیث به‌خصوص در ایام زندان داشتند. ایام زندان فرصت زیادی برای ایشان فراهم کرد تا غوری عمیق در تفکر و اندیشه اسلامی در حوزه اقتصاد و همین‌طور عدالت اجتماعی داشته باشند. بنابراین دکترین آیت‌الله هاشمی در بخش اقتصادی ترکیبی از تفکر اسلامی برگرفته از آیات قرآن و احادیث ملکرد با آرمان‌های مصلحان ضداستعماری جهان بود. یکی از ویژگی‌های آیت‌الله هاشمی که در حرکت‌های ایشان در بحث رشد و توسعه مهم است، تعامل بین‌المللی است. برخورد ان به خصوص با کشورهای منطقه موید همین نکته است. آه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی این بود که رشد اقتصادی پشتوانه تعامل با کشورهای منطقه‌ای و جهانی میسر ت. در سطح خرد و زندگی روزمره نیز این واقعیت وجود دارد عامل داشتن با همسایه‌ها بر آرامش و آسایش شما می‌افزاید سائل و مشکلات را بهتر حل می‌کند. همین دیدگاه را در کشورهای اروپایی و آسیایی هم داشتند. این نگاه ایشان



آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دیدار با اعضای هیئت مدیره شرکت تعاونی تعاونی تعاونی تعاونی

ویس‌شده

یادنامه آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی



کتیو | ۰۹

مصاحبه با دکتر محمدرضا واعظ مهدوی، معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور:

توسعه را همراه با عدالت می‌خواست



خدمات جاودانه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در دوران دفاع مقدس، دوران سازندگی و تا امروز در تاریخ معاصر ایران ثبت شده است. به طوری که حرف از توسعه و سازندگی در تاریخ جمهوری اسلامی بدون یادآوری حضور فعال و موثر مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این فرایند غیر ممکن است. این موضوع را بسیاری از متصدیان و مسئولان که به نوعی در کنار ایشان در عرصه‌های مختلف حضور داشتند تأیید می‌کنند. دکتر محمدرضا واعظ مهدوی یکی از این شخصیت‌هاست. او سابقه حضور در معاونت توسعه مدیریت، همچنین معاونت پشتیبانی وزارت بهداشت و مدیر عاملی سازمان بیمه خدمات درمانی را در کارنامه خود دارد، و در حال حاضر معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است. وقتی از این شخصیت تأثیرگذار سیاسی و اقتصادی حرف می‌زند، ارادات و شایستگی در صدایش موج می‌زند. او را اسوه صبر و مدارا و سمبل تفکر استراتژیک در نظام جمهوری اسلامی می‌داند و معتقد است گذر از روزهای سخت پس از جنگ، بدون این شخصیت کاریزماتیک و رهنمودهای ایشان به‌سادگی میسر نمی‌شد. واعظ مهدوی حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی، هوش و ذکاوت و تدبیر در سیاست‌های آمایش سرزمین، نگاه حمایت‌گرنانه از قشر محروم جامعه را از دیگر ویژگی‌هایی می‌داند که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را بدل به شخصی متمایز و تأثیرگذار در تاریخ جمهوری اسلامی ایران کرده است. شاید اتفاقی باشد که مصاحبه ما در باره کارنامه اقتصادی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در ست بعد از سفر او به سیستان و بلوچستان انجام شد؛ او اما این اتفاق را به فال نیک می‌گیرد و این سفر را نوعی یادآوری خدمات ارزنده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و تلاشی می‌داند که وی برای رسیدگی به مناطق محروم و رونق بخشی به اقتصاد مناطق حاشیه‌ای و دورافتاده داشت.

■ **شما از جمله افرادی هستید که از زمان انقلاب و حتی پیش از آن، ارتباط نزدیکی با مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی داشته‌اید. از تجرب به‌ها و خاطره‌هایتان در دیدارها و صحبت‌ها یا احیاناً همکاری‌هایتان با مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بگویید.**

مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی اسوه صبر، مقاومت، تدبیر، عقلانیت و سمبل تفکر استراتژیک در نظام جمهوری اسلامی بودند. از عمیق‌ترین و آینده‌نگرترین شخصیت‌هایی بودند که در کشور تا به امروز شناخته‌ایم. اولین آشنایی من با ایشان به سال ۵۶ و به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد. تقریباً دو سه روز بود که ایشان از زندان آزاد شده بودند و من که آن زمان دانشجوی بودم به همراه تعدادی دیگر از دوستان، از حضرشان وقتی گرفتیم و خدمتشان رسیدیم. همان موقع شور و اشتیاق انقلابی و علاقه‌ای که ایشان به نیروهای انقلابی داشتند زبایت بود. از ایشان پرسیدیم با این رژیم تا ندان مسلح با مجموعه جنایتانی که کرده و می‌کند، چه باید بکنیم؟ آیا مبارزه مسلحانه در دستور کار است؟ ایشان در پاسخ سوال هیجانی من، تحلیلی مفصل و جامع در مورد استراتژی انقلاب اسلامی بیان کردند و گفتند که ما مبارزات مسلحانه را محکوم نمی‌کنیم اما استراتژی پیروزی انقلاب اسلامی را هم بر مبارزات مسلحانه استوار نکردیم و معتقد به آگاهی‌بخشی اجتماعی و ایجاد امواج مردمی از طریق تظاهرات و بالا رفتن شناخت مردم از ابعاد جنایات رژیم هستیم. توضیح دادم که معتقد هستیم که حتی در برابر نیروهای مخالف و وابستگان رژیم نیز باید موضعی نرم اتخاذ شود، چرا که از این طریق می‌توانیم نیروهای رژیم پهلوی را جذب اندیشه انقلابی کنیم، به جای اینکه آن‌ها را در مقابل انقلاب به موضع‌گیری واداریم. استراتژی ایشان در راستای همان شعار «برادر ارتشی، چرا برادر کشی؟» یا گل دادن به نیروهای مسلح بود.

■ **در مقطع پیش از پیروزی انقلاب، پیش آمده بود که از برنامه‌های ایشان خصوصاً دیدگاه‌های اقتصادی‌شان بپرسید؟ از ایشان نپرسیدید اگر انقلاب پیروز شود در حوزه اقتصادی و تولیدی چه برنامه‌ای را در پیش خواهند گرفت؟**
ایشان گفتند مطالعات ما نشان می‌دهد که مدل‌های اشتراکی اقتصادی مورد استفاده در شوروی سابق، مدل‌های موفق نبوده‌اند و لذا قادر به ایجاد انگیزه کار و تولید نیستند. علاوه بر این با استناد به مطالعات متعددی که انجام داده بودند، گفتند که این تجربه در واحدهای تولیدی شوروی هم با تردید مواجه شده است. بنابراین الگوی اقتصادی سوسیالیستی الگوی مناسبی برای اقتصاد ایران بعد از انقلاب نخواهد بود. الگوی سرمایه‌داری و کاپیتالیستی نیز منجر به افزایش فاصله طبقاتی می‌شود و مصائب اجتماعی خاصی را شکل می‌دهد. بنابراین به دنبال پی‌ریزی یک نظام جدید اقتصادی بر اساس آموزه‌های دینی و اسلامی، نه سوسیالیستی و نه کاپیتالیستی بودند. چند ساعتی در این مورد صحبت کردیم و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بنیان‌های تفکر

● **یادداشت یک ●**

● **محمدحسین شریف‌زادگان ●**

ادامه از صفحه قبل

رویم نمی‌شود برکنارش کنیم». شخصیتی بود که در صحنه بین‌المللی نیز کارآمدی زیادی از خود نشان داد. عادی شدن روابط با عربستان، میانجی‌گری در جنگ ارمنستان و آذربایجان در قره‌باغ، میانجی‌گری در قضیه حاکم‌نشین شارجه ازجمله وقایعی است که هاشمی رفسنجانی نقش انکارناشدنی در آنها داشت. حقیقت آن است که همه افراد و ازجمله شخصیت‌های ملی و طراز اول کشورها دارای نقاط ضعف و قوت هستند و کشورها سعی دارند شخصیت‌های خود را با خصوصیات مثبت ایشان تقویت و ارتقا دهند و از ضعف‌های آنان چشم‌پوشی کنند. این در حالی است که نقاط مثبت آنان می‌تواند برای کشور مثبت و مفید باشد. متأسفانه ما در ایران هر روز در حال عیب‌یابی از شخصیت‌های بارز خودمان هستیم و حتی دست به عیب‌یابی و کشف نقاط ضعف قهرمانان ملی خودمان می‌زنیم. چند وقت پیش یکی از اساتید دانشگاه گفته بود دکتر مصدق مدرك دكتری نداشته و با این کار سعی در تخفیف این قهرمان ملی ضداستعماری در ایران و منطقه خاورمیانه را داشت. در مورد هاشمی رفسنجانی نیز می‌توان عیب‌های زیادی در رابطه با نقش‌ها، تصمیم‌ها و سیاست‌هایش برشمرد. این بدان معنا نیست که من با نقد و بررسی مخالف باشم و یا کاربرد آن را مهم ندانم. در دوران اصلاحات برخی از دوستان ما به خطا دست به چنین تخریب‌هایی زدند و چندین کتاب نیز چاپ کردند. شاید علت اصلی این واکنش‌ها این بود که آنها از نزدیک با هاشمی کار نکرده بودند و تعاملات ایشان را برای توسعه کشور از نزدیک ندیده بودند. افرادی مانند بنده با این گونه کارها مخالف بودیم. البته این جریان که عمومیت هم نداشت بعدها موجب پشیمانی برخی‌ها و ازجمله بانیان این حرکات شد. شخصیت‌های ملی ما اگرچه بر اثر استعداد خودشان شکل می‌گیرند اما این خواسته‌ای ملی است که آنها را از نهمپ و مواهب حضورشان برای تقویت هویت ملی و شرایط مناسب استفاده کنیم نه اینکه با تخریب، جامعه را از نعمت حضورشان بی‌نصیب گردانیم. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همان کسی است که هم فرمانده جنگ بود و هم با تدبیر و فراست در زمینه‌های تصمیم‌سازی خطیر، پایان جنگ را در شرایطی که امکان ادامه دادن آن به صلاحیت نبود فراهم ساخت و امام خمینی (ره) براساس همین اقدامات، آتش‌بس که امری بسیار مهم و استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایران بود را پذیرفتند. هاشمی رفسنجانی در دوران ریاست‌جمهوری خود به‌خاطر شرایط بعد از جنگ و لزوم بازسازی آثار آن، دولتی برای بازسازی کشور تشکیل داد و عمدتاً اهداف اقتصادی و اجتماعی را پیگیری می‌کرد و اهداف اصلی برای اشاعه توسعه سیاسی همانند آنچه در دوران اصلاحات بود، نداشت. شاید هر دولتی در آن زمان می‌آمد همین کار را می‌کرد. اتخاذ بعضی از سیاست‌های اقتصادی نیز علی‌رغم نقدهای جدی به آن نیز همین روال را دارد. مهم این است که هاشمی رفسنجانی برای توسعه کشور فکر می‌کرد، تلاش می‌کردو بخش وسیعی از آنچه امروز به‌عنوان آثار تمدنی و توسعه در کشور وجود دارد اثر تلاش‌ها و تصمیمات وی است. هاشمی رفسنجانی هم در نظر و هم در عمل، سیاست‌گذاری توسعه‌گرا بود و به خاطر تجربیات انقلابی و به‌خصوص اقداماتی که در حوزه تجارت از اقتصاد تجارت‌اجام‌ده بود، مردی عمل‌گرا محسوب می‌شود به اقداماتی دست می‌زد که سودمندی آثار آن در عمل دیده شود. شرایط بهبود اقتصادی بعد از جنگ در دوران ۸ ساله ایشان، زمینه‌ساز بروز توسعه سیاسی در دوران اصلاحات بود. نهایتاً به یک نکته اشاره می‌کنم که نقش دیدگاه‌ها و سیاست‌های هاشمی رفسنجانی در رفاه اجتماعی ایران چگونه بوده است. به گمان من هر شخصیت برآمده از انقلاب اسلامی به‌خاطر تقاضاهای اجتماعی ناشی از انقلاب، نمی‌تواند به عدالت و رفاه اجتماعی نیندیشد. از نظر من همه آنها کم‌وبیش گرایش اجتماع‌گرا دارند. هاشمی نیز چنین بوده است. ایشان در تقویت و ساماندهی دوباره سازمان تامین اجتماعی نقش جدی داشت و همواره بر ضرورت توسعه بیمه‌های اجتماعی اشاره داشت. بر فقرزدایی در اغلب جلسات شورای اقتصاد تأکید می‌کرد و لایحه فقرزدایی را با پیگیری شخصی خود تهیه کرد که متأسفانه در مجلس به جایی نرسید. هاشمی بعد از سال‌ها در مسند ریاست مجمع تشخیص مصلحت‌نظام و در سال‌های اخیر با تقویت جامعه‌مدنی و تکیه روی حقوق شهروندی و آزادی بیان، نقشی که شاید درگذشته کمتر به آن پرداخته بود را تکمیل و شخصیتی انقلابی که همواره در دوران ستم‌شاهی قرار داشت را بازتولید و راه آزادی‌خواهی را نیز به دیگر خصوصیات خود افزود. نهایتاً می‌توان گفت هاشمی رفسنجانی سمردی بی‌بدیل در تاریخ معاصر ایران بود که از مرزهای انقلابی‌گری به سلك سیاستمداری با فراست و دولت‌مردی توسعه‌گرا و عمل‌گرا و نهایتاً آزادی‌خواهی منصف و دردمی گام نهاد.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه و اولین وزیر رفاه و تامین اجتماعی